



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

درسنامه درس ۱۰ پایه، مفهّم

کلاس ادبیات

تهیه و تدوین

دکتر خالق شمسی

دبیر ادبیات دبیرستان علامه امینی شهرستان میانه

درس دهم: کلاس ادبیات صفحه ۸۶

چشم دوختن: کنایه از نگاه کردن

جاذبه: گیرایی/جذابیت

دستپاچگی: عجله/ شتاب زدگی

جرأت: شجاعت

لحن: آهنگ

مندیش: نیندیش / مخفف میندیش

پاسی: قسمتی یا بخشی از زمان

پاسی از شب: قسمتی از شب

مردم چشم: مردمک چشم

تحسین: آفرین گفتن

نوابغ: جمع نابغه باهوش و زیرک

خُرد: کوچک

نظیر: همانند

فراغت: آسودگی

پروا: ترس

تلاوت: خواندن قرآن

درک: فهمیدن و دریافتن

معانی: جمع معنی

چمیدن: به ناز راه رفتن

زنده دلان: هوشیاران / دل آگاهان

روحیه دادن: کنایه از امیدواری و شجاعت ایجاد کردن

بی نظیر: بی مانند/ بی همتا

واردات: کالاهایی که از خارج کشور به کشور آورده می شود

آراسته: زیبا و مرتب شده

ملک وجود: هستی و وجود به سرزمین و ملک تشبیه شده است (اضافه تشبیهی)

لبریز: پر، انباشته، سرشار

چشم از جهان فرو بست: کنایه از فوت کرد

معظم: بزرگوار

پژوهشگر: جست و جوگر

نوید: مژده

صالح: درستکار

معنی ابیات

ای مرغک خرد، ز آشیانه

پرواز کن و پریدن آموز

ای پرنده کوچک از آشیانه خود پرواز کن تا راه و روش پرواز کردن را یاد بگیری

تا کی حرکات کودکانه

در باغ و چمن چمیدن آموز

تا کی می خواهی به رفتارهای کودکانه خود ادامه بدهی؟ با ناز در باغ و چمنزار پریدن را بیاموز

رام تو نمی شود زمانه

رام از چه شدی، رمیدن آموز

روزگار رام و مطیع تو نمی شود. تو چرا در برابر روزگار و سختی های آن رام شدی؟ نحوه مقابله با روزگار و سختی های آن را یاد

بگیر

مندیش که دام هست یا نه

بر مردم چشم، دیدن آموز

به بودن یا نبودن دام و تله فکر نکن

بلکه خوب دیدن را به چشمانت بیاموز

شو روز به فکر آب و دانه

هنگام شب، آرمیدن آموز

روز به دنبال آب و دانه باش و هنگام شب استراحت کن

به راستی که یکی از نوابغ ادب است

میان شاعرها تا کنون نظیرش نیست

به درستی پروین اعتصامی یکی از استعدادهای درخشان ادبیات فارسی است. و تا کنون در میان زنان شاعر همتایی نداشته است

به جان زنده دلان، سعدیا، که ملک وجود

نیرزد آنکه دلی را ز خود بیازاری

ای سعدی، به جان انسانهای صاحب دل و عارف سوگند که تمام جهان را اگر به تو بدهند ارزش آنرا ندارد که دل فردی از تو

برنجد

خودارزیابی صفحه ۹۳

معلم برای تشویق شما چه کرد؟ ۱۰

!گفت: آفرین آفرین خیلی خوب بود آقای علی اسفندیاری
دکتر حسابی و دکتر کاظمی آشتیانی چه خصوصیات مشترکی داشتند؟ ۲۰
مطالعه کتاب، منظم بودن، انجام تکالیف دینی، حافظ قرآن بودن
به نظر شما چرا دکتر حسابی با (علم بدون عمل) مخالف بود؟ ۳۰
زیرا اگر علم داشته باشیم اما عمل نکنیم، به درد زندگی دنیا و آخرت ما نمی‌خورد

دانش‌های زبانی و ادبی صفحه ۹۳

نکته اول

به این جمله‌ها توجه نمایید و درباره گفت و گو کنید
... دانش‌آموز، برای قدردانی از معلم خود، نامه نوشت
... دانش‌آموز، برای قدردانی از معلم خود، نامه می‌نویسد
... دانش‌آموز، برای قدردانی از معلم خود، نامه خواهد نوشت
می‌دانیم که فعل مهمترین جزء جمله است. فعل ویژگیهایی دارد که یکی از آنها زمان است. در جمله اول فعل «نوشت» بر زمان گذشته، در جمله دوم فعل «می‌نویسد» بر زمان حال و در جمله سوم فعل «خواهدنوشت» بر زمان آینده، دلالت دارد. اکنون درباره نمودار زیر گفت و گو کنید
آینده >--- حال >--- گذشته
دیروز امروز فردا

نوشت می‌نویسد خواهدنوشت

نکته دوم

چه خوش گفت: زالی به فرزند خویش
چو دیدش پلنگ افکن و پیل تن
گر از عهد خردیت یاد آمدی
که بیچاره بودی در آغوش من
نکردی در این روز بر من جفا
که تو شیر مردی و من پیرزن
به این نوع شعر قطعه می‌گویند

قطعه مجموعه ابیاتی را گویند که بر یک وزن و قافیه باشد، و از آغاز تا انجام همگی به یکدیگر مربوط بوده، پیرامون یک قصه شیرین، یک موضوع اخلاقی و اجتماعی، پند و اندرز یا تهنیت و تعزیت و مدح و هجو و مانند آن پدید آمده باشد. بر خلاف قصیده، بیت مطلع در قطعه مُصرَع نیست

در قطعه نحوه شکل‌گیری قافیه‌ها به این شکل است که، مصراع‌های زوج باهم هم قافیه‌اند

تعداد ابیات یک قطعه، حدّ اقل ۲، و حدّ اکثر آن به‌طور معمول ۱۵ است، ولی گاهی تا ۵۰ بیت و بیش از آن هم رسیده‌است. در میان شعرای پارسی‌گوی از رودکی تا کنون، همواره، قطعه‌سرایی رواج داشته‌است. لیکن، انوری، ابن‌یمین، و پروین اعتصامی بیش از دیگران به این قالب شعری پرداخته‌اند.

شکل قطعه به این صورت است

♣.....

♣.....

♣.....

♣.....

یکی از راه‌های تشخیص شکل درست املاي کلمه‌ها علاوه بر توجّه به معنا، دقّت در رسم الخطّ رایج زبان است؛ مانند: -
...خواهش، بالاخره و

کلمه فراغ به معنی آسودگی و کلمه فراق به معنی جدایی است. تشخیص درست این دو کلمه در هنگام املا از راه مهارت -
شنیدن و معنی جمله میسر است

کار گروهی صفحه ۹۵

با راهنمایی معلم خود در مورد ویژگی‌های شعر نیمایی، گفت و گو کنید ۱۰.
نیمایی "سبکی از شعر معاصر فارسی است که نخستین نمونه شعر نو در ادبیات فارسی بوده و برآمده از نظریه ادبی [نیمایوشیچ] شاعر معاصر ایرانی است.

منظومه‌ای بلند و موزون که در آن مشکل قافیه پس از هر چهار مصراع با یک مصراع آزاد حل شده است *

توجه شاعر به واقعیت‌های ملموس و در عین حال نگرشی عاطفی و شاعرانه او به اشیا *

فرق نگاه شاعر با شاعران گذشته و تازگی و دور بودن آن از تقلید *

دیوان پروین را به کلاس بیاورید و در مورد یکی از شعرهای او صحبت کنید ۲۰.

سیر، یک روز طعنه زد به پیاز

که تو مسکین چقدر بد بویی

گفت، از عیب خویش بی‌خبری

زان ره از خلق، عیب می‌جویی

گفتن از زشت رویی دگران

نشود باعث نکو رویی

تو گمان می‌کنی که شاخ گلی

به صف سرو و لاله می‌رویی

یا که هم بوی مشک تاتاری

یا ز ازهار باغ مینویی

خویشتن، بی سبب بزرگ مکن

تو هم از ساکنان این کوی
ره ما، گر کج است و ناهموار
تو خود، این ره چگونه می‌پویی
در خود، آن به که نیک‌تر نگری
اول، آن به که عیب خود گویی
ما زبونیم و شوخ جامه و پست
تو چرا شوخ تن نمی‌شوی
نوشتن صفحه ۹۵

۱. زمان فعل‌های زیر را مشخص کنید.
خواهم رفت: آینده (مستقبل)
می‌نویسند: حال (مضارع)
گرفته بودی: گذشته (ماضی)
شنیدم: گذشته (ماضی)
نشسته بودید: گذشته (ماضی)
آمدند: گذشته (ماضی)

۲. پیام، قافیه و ردیف را در «قطعه زیر» بنویسید.
برزگری پند به فرزند داد
کای پسر این پیشه پس از من تورا ست
هر چه گنی کشت، همان بدرووی
کار بد و نیک چو کوه و صداست
قافیه: تورا- صدا ردیف: ست ست

پیام: انسان هر کاری را انجام دهد نتیجه آن را هم می‌بیند.
با توجه به متن درس، جای خالی را با کلمه مناسب، پر کنید -۳
«معلم با همان لحن گرمش ادامه داد: «خیلی عالی است

اگر با او همسفر می‌شدی در طول راه تلاوت زیبای قرآن او را می‌شنیدی
در متن زیر غلط‌های املائی را پیدا کنید و شکل درست آنها را بنویسید -۴

مهم این است که در مقابل سختی‌ها تسلیم نشد. اگر انسان در برابر دشواری‌ها بایستد، بر آن چیره می‌شود، البته باید سبر و طاقت
را از دست نداد و هیچ گاه ناسپاسی نکرد
صحیح کلمات: تسلیم- صبر - طاقت

شعر خوانی گل و گل صفحه ۹۶

معنی لغات شعر گل و گل ادبیات هفتم

محفل: مجلس

سوز: ناله

پاره دوز: پینه دوز

عجوز: پیرزن

محبوب: نگار، دوست

نیکو: خوب، لطف، زیبا

حریر: پارچه ابریشمی

معطر: خوشبو

دلپذیر: دلپسند

مشک: عطری که از شکم آهو می گیرند

عبیر: داروی خوشبو

دلاویز: دل انگیز

آزمودن: امتحان کردن

عبرت: سرمشق گرفتن

گفت و شنود: بحث و گفتگو

ولیکن: اما

گسترده: پراکنده

ملک الشعراء بهار

قالب شعری (گل و گل) از ملک الشعراء بهار «مسمط تزمینی یا مخمس تزمینی» است

مسمط: مسمط نوعی از قصیده یا اشعاری است هم وزن، که تعداد ابیات بندها یکی می باشد. مصراع پایانی هر بخش را رشته یا "بند" می گویند. در پایان هر بند یک مصرع مختلف با مصرع های دیگر آن بند می آید که مصرع آخر در رشته های بعدی و قبلی یکسان است مصرعی که قافیه مجزا دارد را بند گویند

قالب شعر گل و گل

○..... ○.....

○..... ○.....

□.....

مسمط: برچند شیوه سروده شده است

مثلت: هربخش دارای سه مصراع

مربع: " " " چهار مصراع

مخمّس: " " " پنج مصراع

مسدّس: " " " شش مصراع

به طور کلی مسمط نباید از سه مصراع کمتر و از هفت مصراع بیشتر باشد

نوع دیگر مسمط تضمینی است

شاعر ابیاتی از آن را از شعرای دیگر تضمین کرده است

مثلاً همین شعر که ملک الشعرای بهار در میان ابیاتش از قطعۀ سعدی استفاده کرده است. این مسمط زیبا را مخمّس وبه بیان

درست مخمّس تضمینی یا مسمط تضمینی می‌گویند چرا که ابیات و مصراع‌هایی که داخل گیومه است متعلّق به سعدی است

بقیۀ مصراع‌ها از ملک الشعرای بهارست

تذکر ۱- ابیاتی که در داخل گیومه می‌باشد متعلّق به سعدی است و بقیۀ مصراع‌ها متعلّق به بهار است

تذکر ۲- کلمات "دستم"، "مستم" "نشستم" و "هستم" کلمات قافیه و بند مخمس هستند

شبی در محفلی با آه و سوزی

شنیدستم که مرد پاره دوزی

چنین می‌گفت با پیر عجوزی

گلی خوشبوی در حمام روزی»

«رسید از دست محبوبی به دستم

شنیده‌ام یک مرد پینه دوزی شبی در یک مجلس، با ناله و زاری به پیرزنی می‌گفت: روزی در حمام، دوستی گل خوشبویی را به

...من داد

گرفتم آن گل و کردم خمیری

خمیری نرم و نیکو چون حریری

معطر بود و خوب و دلپذیری

بدو گفتم که مشکى یا عبیری»

«که از بوی دلاویز تو مستم

آن گل را گرفتم و با آن خمیری درست کردم خمیری که مانند پارچهٔ ابریشمی نرم و لطیف بود. خوشبو و دلپسند بود به او گفتم:

تو مشک هستی یا داروی خوشبو که من از بوی خوش و دلپسند تو مست و سرحال می‌باشم

همه گل‌های عالم آزمودم

ندیدم چون تو و عبرت نمودم

چو گل بشنید این گفت و شنودم

بگفتا من گلی ناچیز بودم»

«ولیکن مدتی با گل نشستم

من از تمام گل‌های جهان استفاده کردم اما جای شگفت و حیرت است که هیچ کدام مانند تو خوشبو و دلپسند نبودند. وقتی گل

این حرف‌ها را شنید گفت: من گلی بی‌ارزش و بی‌مقدار بودم اما مدتی با گل همدم و همنشین شدم

گل اندر زیر پا گسترده پَر کرد

مرا با همنشینی مفتخر کرد

چو عمرم مدتی با گل گذر کرد

کمال همنشین در من اثر کرد»

«وگرنه من همان خاکم که هستم

گل، گلبرگ‌های خود را بر روی زمین ریخت و به من افتخار همنشین شدن با خود را داد زمانی با گل دوست و همراه شدم و

روزگارم را با او سپری نمودم لطف و خوبی و آراستگی گل در وجود من تأثیر گذاشت و من هم خوشبو شدم و گرنه من همان

خاک بی‌ارزش و پست باقی می‌ماندم

محمد تقی بهار مشهور به ملک الشعرای بهار

در مشهد به دنیا آمد (۱۳۳۰، ۱۲۶۶) و در نزد پدرش شعر و فنون ادب را آموخت

سبک شناسی از آثار اوست